

۲ کارگر در حادثه ریزش معدن خاک نسوز نیلچیان جان باختند

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت چهارمحال و بختیاری از ریزش معدن خاک نسوز شهید نیلچیان خبر داد و گفت: در این حادثه دو نفر جان خود را از دست دادند. سجاد ستمی در گفت و گو با ایسنا افزود: این معدن در منطقه دویلان از توابع شهرستان اردل واقع شده است. محسن ابراهیمی مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی چهارمحال و بختیاری هم اظهار کرد: ریزش معدن شهید نیلچیان، ساعت ۴:۴۵:۱۰ دیروز به نیروهای اورژانس اطلاع داده شد که به سرعت یک دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شد. وی افزود: نیروهای اورژانس دو نفر از کارگران حدود ۴۵ و ۵۲ ساله را زیر آوار بیرون کشیدند که علایم حیاتی نداشتند و جان خود را از دست داده بودند. ابراهیمی ادامه داد: دو نفر دیگر از کارگران بیرون از معدن بودند که خوشبختانه آسیبی به آن‌ها وارد نشده‌است.

درگیری ۳۰ نفره دست‌فروشان در پارک دانشجو

رئیس پلیس پیشگیری پایتخت از درگیری و نزاع ۳۰ نفر از دست‌فروشان در پارک دانشجو و دستگیری تعدادی از عاملان این درگیری خبر داد. سرهنگ جلیل موقوفه‌ای در گفت‌وگو با فارس افزود: به دنبال دریافت شکایتی مبنی بر درگیری و نزاع دسته جمعی در پارک دانشجو، پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار مأموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین و کلانتری ۱۲۹ جامی قرار گرفت و مأموران با انجام اقدامات فنی و حضور در محل حادثه متوجه شدند درگیری بین دو گروه دست‌فروش در پارک دانشجوواقع در خیابان ولیعصر(عج) به دلیل مکان گستردن بساط ایجاد شده است. وی ادامه داد: در این نزاع ۳۰ نفر حضور داشتند که با رسیدن به موقع مأموران پلیس، درگیری خاتمه یافت و هفت نفر دستگیر و روانه کلانتری شدند. رئیس پلیس پیشگیری پایتخت با بیان این که این درگیری هیچ مصدومی نداشت، خاطر نشان کرد: متهمان برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدندو تلاش‌ها برای بازداشت دیگر افرادی که در این نزاع حضور داشتند، ادامه دارد.

دستگیری ۴ نفر از اراذل و اوباش در سیرجان

توکلی / با حضور به موقع و مقتدرانه پلیس، چهار نفر اراذل و اوباش هنگام ضرب و جرح شهروند سیرجانی به دام افتادند. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی سیرجان در این باره گفت: به دنبال اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بریک فقره درگیری با سلاح سرد و ایجاد رعب و وحشت توسط چهار نفر از اراذل و اوباش و ضرب و جرح یک شهروند در یکی محلات شهر سیرجان، بلافاصله بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. سرهنگ ایران نژادافزود: گروه‌های گشتی پلیس در کمترین زمان ممکن در محل حاضر شدند و طی عملیاتی مقتدرانه و منسجم سه نفر از این اراذل و اوباش را در محل مزبور دستگیر کردند و یکی از آنان که با حمله قصد خلع سلاح مأموران را داشت با شلیک گلوله به پایش دستگیر شد. وی ادامه داد: این اراذل و اوباش دارای سوابق متعددی از جمله نزاع و درگیری، مرعده کشی، ایجاد رعب و وحشت و اخلاص در نظم و امنیت عمومی هستند که پس از تحویل به مرجع قضایی روانه زندان شدند.

کوتاه از حوادث

*** پلیس/** سرهنگ بیژن خدایی فرمانده انتظامی شهرستان قزوین از جان باختن دونوجوان ۱۵ ساله در روستای «پیچ بن» الموت شرقی بر اثر اصابت صاعقه خبر داد. سرهنگ یوسف بهرام‌پور فرمانده انتظامی «تیران و کرون» هم از برخورد صاعقه با دو نفر در این شهرستان و فوت یکی از آن‌ها و مصدومیت دیگری خبر داد.

*** میزان/** احسان مومنی رئیس اداره تصادفات پلیس پایتخت از فوت یک عابر پیاده بر اثر برخورد شدید سوارای ل نودباوی در کنار بزرگراه لشگری خبر داد.

*** میزان/** سلمان آدینه وند فر مانده یگان امداد پلیس تهران بزرگ از کشف خودروی پراید سرتنی در عوارضی تهران –قم به وسیله دوربین‌های پلاک خوان خبر داد.

*** ایسنا/** اواخر اوایل روز یکشنبه امدادگران در چین ۱۱ معدنکار را پس از ۱۴ روز ماندن در زیر زمین، نجات دادند. روبرتزر به نقل از رسانه‌های دولتی چین اعلام کرد: این معدنکاران در پی یک انفجار و ریزش معدن طلا، محبوس شده بودند. هنوز از سرنوشت ۱۰ معدنچی به‌دام افتاده دیگر خبری در دست نیست.

*** ایسنا/** در پی فوران کوه آتشفشانی در جمهوری کنگودست کم ۱۵ تن کشته و صدها خانه تخریب شدند. آتشفشان «نبر اگونگو» شنبه فوران کرد و موجب شد حدود ۵۰۰ نفر از ساکنان محل حادثه، شهر گومارابه سمت مرز روانداترک کنند. بیش از ۱۷۰ کودک در این حادثه مفقود شده‌اند و مقامات سازمان ملل در حال سازمان دهی مرکزی برای کمک به کودکان بی سرپرست هستند.

سجادپور - زورگیر خطرناکی که برای ربودن کیف حاوی دلار و طلاهای یک‌راننده زن، او را در خیابان با ضربه چاقو مجروح کرده بود، برای گریز از چنگ قانون، دیوانه وار به سوی شهروندان حمله‌ور شدو جوان دیگری را هم با ضربه چاقو روانه بیمارستان کرد. به گزارش اختصاصی خراسان، این حادثه هولناک در چهارراه بزرگمهر مشهد هنگامی رخ داد که زن جوانی خودرواش را در حاشیه خیابان بزرگمهر پارک کرد و وارد یک صرافی شد. در این لحظه زورگیری که چشمان پلیدش را برای به دام انداختن یک طعمه به این سوآن سومی چرخاند با دیدن زن جوان به کمین نشست و چشم از صرافی برداشت. زن جوان بی خبر از ماجرای وحشتناکی که در حال وقوع بود، کیف حاوی دلار و طلا را به دست گرفت و به طرف خودرواش حرکت کرد، هنوز به درستی پشت فرمان خودرو قرار نگرفته بود که ناگهان زورگیر خطرناک در سمت شاگرد را گشود و در حالی داخل خودرو نشست که چاقوی تیزی را زیر گلوئی زن جوان گذاشت و از او خواست کیف دستی اش را به او بدهد! زن جوان که از شدت ترس و وحشت بر خود می لرزید، تلاش کرد برای حفظ اموالش در برابر زورگیر مخوف مقاومت کند به همین دلیل شروع به داد و فریاد کرد. سارق خطرناک که اوضاع را این گونه دید برای ایجاد رعب و وحشت تیغه چاقو را بالا برد و بر دست زن جوان فرود آورد. او سپس کیف را از درون خودرو برداشت و پا به فرار گذاشت.

مال باخته که خون از دستش بیرون می زد و از شدت درد به خود می پیچید، فریاد زنان

از شهروندان کمک خواست. به گزارش خراسان، در این هنگام چند تن از کسبه محل و رهگذران با مشاهده زورگیر جوان، بی محابا به سوی او هجوم بردند و اطراف او را گرفتند ولی زورگیر خطرناک که به گفته

شهروندان چون گودزیلای خطرناک خود را به هر سومی زد تا راه گریزی پیدا کند با زن جوان گذاشت و از او خواست کیف دستی اش را به او بدهد! زن جوان که از شدت ترس و وحشت بر خود می لرزید، تلاش کرد برای حفظ اموالش در برابر زورگیر مخوف مقاومت تا با ایجاد ترس و وحشت، راه گریزی بیابد اما در حالی که مردم همچنان راه فرار او را سد کرده بودند، یکی از شهروندان وظیفه شناس برای ایجاد رعب و وحشت تیغه چاقو را بالا برد و بر دست زن جوان فرود آورد. او سپس کیف را از درون خودرو برداشت و پا به فرار گذاشت.

مال باخته که خون از دستش بیرون می زد و از شدت درد به خود می پیچید، فریاد زنان

است، در حالی که شهروندان همچنان راه گریز سارق خطرناک را بسته بودند، نیروهای گشت انتظامی کلانتری سجادمشهد از راه رسیدند و حلقه های قانون را بر دستان این زورگیر مخوف گره زدند. همزمان با انتقال



شهروندان چون گودزیلای خطرناک خود را به هر سومی زد تا راه گریزی پیدا کند با زن جوان گذاشت و از او خواست کیف دستی اش را به او بدهد! زن جوان که از شدت ترس و وحشت بر خود می لرزید، تلاش کرد برای حفظ اموالش در برابر زورگیر مخوف مقاومت تا با ایجاد ترس و وحشت، راه گریزی بیابد اما در حالی که مردم همچنان راه فرار او را سد کرده بودند، یکی از شهروندان وظیفه شناس برای ایجاد رعب و وحشت، تیغه چاقو را بالا برد و بر دست زن جوان فرود آورد. او سپس کیف را از درون خودرو برداشت و پا به فرار گذاشت.

راز جنایت جنجالی کرمانشاه فاش شد

متهم به قتل: پشیمانم

قضایی و پلیس آگاهی استان البرز، محل اختفای متهم شناسایی و او روز اول خرداد دستگیر و سپس به استان کرمانشاه منتقل شد.

جزئیات جنایت

بازپرس ویژه قتل دادرسی مرکز کرمانشاه روز گذشته در یک نشست با اشاره به جزئیات جنایت گفت: پس از اطلاع از وقوع حادثه، بلافاصله به همراه کارآگاهان پلیس آگاهی و انتظامی در محل حاضر شدیم؛ بنا بر ظاهر واقعه، شخصی به نام «پاسرفخری» که داماد خانواده بهرامیان بود، در کنار خودروی خود به قتل رسیده بود.

امیرحیدر محمدی اضافه کرد: در همان جا بررسی‌های میدانی و تحقیقات محلی از اهالی و ساکنان انجام و مشخص شد که مقتول و خانواده همسرش سابقه اختلاف چند ماهه خانوادگی داشته‌اند. به گفته‌وی، مقتول آن روز با مراجه به در منزل پدر خانم خود از همسرش تقاضای بازگشت به زندگی مشترک را می‌کند، اما وقتی با پاسخ منفی او مواجه می‌شود با ایجاد سروصدا، ترک نشین عقب موتورسیکلت اقدام به خود می‌شود. بازپرس ویژه قتل دادرسی مرکز کرمانشاه اظهار کرد: در ادامه این درگیری،



کرده بود و در منزل پدری نگهداری می‌کرد، به قصد قتل داماد خانواده از منزل خارج می‌شود و به تیراندازی و قتل او اقدام می‌کند. وی افزود: در جریان تیراندازی ابتدا یک گلوله به پهلوی مقتول می‌خورد، سپس متهم از فاصله حدود ۵۰ متری گلوله دوم را به سر او شلیک می‌کند و به زندگی اش خاتمه می‌دهد.

پشیمانم

متهم به قتل نیز گفت: خواهر من دوبار از مقتول طلاق گرفته بود، اما او همواره با مراجه به در

ولی دوباره به خاطر فرزندانش به زندگی مشترک با من بازگشت. وی درباره ماجرای زورگیری و وحشتناک خودش از راننده زن گفت: وقتی آن زن از صرافی خارج شد و درون خودرو نشست من هم بلافاصله در صندلی جلو قرار گرفتم و به او گفتم بدون مقاومت کیف را به من بدهد! ولی او مقاومت کرد و دستش را جلو آورد که مانع سرقت کیف شود! من هم با چاقویی که در دست داشتم او را زخمی کردم و کیف را قاپیدم! تا به سوی خودروی پرایدم بروم که چند کوچه بالاتر پارک کرده بودم! ولی با فریادهای آن زن، کسبه و رهگذران اطرافم را گرفتند که من هم مجبور شدم به سوی آن‌ها حمله کنم! در اثنای همین درگیری جوان دیگری هم مصدوم شد اما من نتوانستم از چنگ آن‌ها بگریزم و لخطاتی بعد نیروهای کلانتری سجادم را دستگیر کردند.

گزارش خراسان حاکی است، در حالی که بازجویی‌ها از متهم دستگیر شده در دایره تجسس کلانتری با نظارت سرهنگ محمدی ادامه داشت، همسر زن جوان خود را به کلانتری رساند و اظهار کرد، همسرش در اتاق عمل بیمارستان، تحت عمل جراحی قرار گرفته است. وی افزود: در کیف همسرم طلا و جواهر به دلار به ارزش ۷۰۰ میلیون تومان وجود داشت که آن را از زورگیر پس گرفته‌اند!

شایان ذکر است، تحقیقات بیشتر درباره

زوایای دیگر این پرونده روزگبری با صدور

دستورات ویژه ای از سوی قاضی دکتر

اسماعیل رحمانی (معاون دادستان مرکز

خراسان رضوی) آغاز شده است.

خانه پدرم به دنبال بازگشت خواهرم به زندگی مشترک بود در حالی که او به این کار رضایت نداشت، زیرا هدف از آروچی و ادیت جسمی

قرار می گرفت.

این جوان ۳۱ ساله افزود: پدر و مادر من پیر و زمین گیر هستند، اما مقتول حتی با پدرم بر خورد فیزیکی کرده بود. او با بیان این که در نتیجه این اتفاقات عصبانی شدم و از کوره در رفتم، ادامه داد: من از کار خود پشیمانم و اگر دوباره به آن شرایط برگردم هرگز دست به قتل نمی زنم، زیرا مقتول

همیک جوان بود که متأسفانه از دست رفت.

متهم در پاسخ به این که چرا با وجود شلیک گلوله اول و زخمی شدن مقتول با هم به او شلیک کرده است، گفت: به خاطر رفتار مقتول خیلی عصبانی بودم و بر آن لحظه مغزم اصلاً کار نمی کرد. او درباره سلاح کلاشینکف جنگی که با آن دست به قتل زده بود نیز اظهار کرد: این سلاح حدود ۱۰ سال پیش از پسر خاله خود خریدم و از همان زمان در منزل پدر نگهداری می کردم و این هم اولین باری بود که دستم روی ماشه آن رفت و او شلیک کرد. او گفت: مجازات من قصاص است و دستگاه قضایی هر حکمی در باره ام صادر کند، می پذیرم.

کف زنی با تصادف ساختگی

تیم مبارزه با سرقت به عنف این پایگاه قرار گرفت. وی افزود: در بررسی پرونده ها مشخص شد خودروی یکی از شکات در زمان سرقت دارای دوربین مدار بسته بوده که تصاویر سارقان در زمان سرقت احصا و با بررسی همزمان شیوه و شگرد سرقت های انجام گرفته در محل های دیگر، کارآگاهان موفق شدند سرنخ هایی به دست آورند که جمع بندی سرنخ های موجود هویت یکی از سارقان را که اشکان نام داشت، بر ملا کرد. دستخال ادامه داد: مخفیگاه اشکان که سابقه ۱۵ فقره قاپ زنی و دیگر سرقت ها را داشت، در خیابان خاوران شناسایی و با دریافت دستور قضایی دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد و

ادامه دارد.

« آگهی مزایده »

آستان قدس رضوی در نظر دارد کل ضایعات یک سال آینده حرم مطهر شامل "پلاستیک، لیوان یکبار مصرف، بطری آب معدنی و..." را بصورت یکجا و مطابق با شرایط مندرج در اسناد مزایده از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.
جهت مشاهده شرایط فروش و دریافت اسناد مزایده به نشانی http://dev.aqr.ir/ بخش مناقصات / مزایادات مراجعه و حداقل تا ساعت ۱۳:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۳۰۳/۰۳/۱۴ نسبت به تحویل پیشنهادات تکمیل شده و مدارک مطابق شرایط اعلام شده اقدام نمایید.

هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها برعهده برنده مزایده خواهد بود

شماره های تماس ۰۳۳۱۰-۳۲۰۰۵۱، ۰۳۲۳۱۹۲۵-۵۱ و ۰۲۲۲۶-۵۱۳۲۲۰۰



آستان قدس رضوی

3/14۰۰-۱۲-۰۲

حوادث

۹

در امتداد تاریکی

مرگ مهر مادری!

وقتی برای تأمین هزینه های اعتیاد به خرده فروشی مواد مخدر روی آوردم، منزل منیز به پاتوق معتادان و خلافتکاران تبدیل شد. آن قدر مواد مخدر مهر و عاطفه مادری را در وجودم کشته بود که حتی برای دیدن فرزندانم به بهزیستی نرفتم و شوهر سابقم نیز از ترس همسرش آن ها را نادیده گرفت تا این که ...

این ها بخشی از اظهارات زن ۳۵ ساله ای است که به اتهام فروش مواد مخدر و در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی توسط نیروهای کارآزموده دایره مبارزه با مواد مخدر کلانتری قاسم آباد مشهد دستگیر شده است. این زن جوان که دفتر خاطراتش را در کوچه باغ های بدبختی و تیره روزی ورق می زد، با بیان این که دلم برای فرزندانم تنگ شده است! درباره سرگذشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: چهار ساله بودم که قربانی اختلافات بین پدر و مادر شدم. آن ها که با یک عشق هیجانی دوران جوانی با هم ازدواج کرده بودند هیچ گونه تفاهم اخلاقی با یکدیگر نداشتند به طوری که بعد از شش سال زندگی مشترک از هم جدا شدند و مرا دستاویزی برای انتقام از یکدیگر قرار دادند. من که در آن سن شیفته مادرم بودم و در آغوش او آرام می گرفتم، هنوز نمی دانستم معنای طلاق چیست. فقط دوست داشتم در کنار مادرم باشم اما پدرم برای آن که مادرم را آزاد بدهد، سرپرستی مرا به او ناداد و این گونه مرا مجبور کرد تا نزد خودش زندگی کنم. به همین دلیل من مدام برای دیدار با مادرم اشک می ریختم و گریه می کردم.

خلاصه خیلی زود پدرم مرا به عمه ام سپرد و در حالی که مادرم با مرد دیگری ازدواج کرده بود، او نیز زن جوانی را به عقد خودش درآورد و زندگی جدیدش را آغاز کرد. من هم تا کلاس سوم راهنمایی درس خواندم و بعد از آن در یک کارگاه خیاطی مشغول کار شدم. این در حالی بود که پدر و مادرم مرا فراموش کرده بودند و من عاشق مهر و محبت صاحبکارم شده بودم. کمبود محبت در دوران زندگی ام موجب شد در ۱۷ سالگی دلباخته صاحبکار ۴۲ ساله ام شوم چرا که او مردی مهربان و بسیار خوش تیپ بود ولی به خاطر آن که «احمد» متأهل و دارای فرزند بود، نمی توانستم آشکارا علاقه ام را به او ابراز کنم. به همین دلیل روزی با یک تصمیم احمقانه دست به خودکشی زدم. وقتی صاحبکارم در جست و جوی انگیزه این اقدام وحشتناک برآمد، دیگر نتوانستم طاققت بیابورم و ماجرای علاقه ام را برایش بازگو کردم و خواستم با من ازدواج کند. اگر چه ابتدا مخالفت کرد اما بعد با این شرط پذیرفت که هر گونه همسر متوجه موضوع شد بدون هیچ گونه اعتراضی از او جدا شوم. من هم شرط او را پذیرفتم و بدین ترتیب احمد با خرید یک منزل در قاسم آباد زندگی مشترکش با من را آغاز کرد. این ازدواج مخفیانه در حالی ۱۰ سال طول کشید که من صاحب دو فرزند شده بودم و زندگی آرامی را سپری می کردم، اما بعد از گذشت این سال ها روزی «شیده» به ازدواج مجدد احمد مشکوک شد و من هم بی سرو صدا از او طلاق گرفتم و به دنبال سرنوشت سیاه خودم رفتم. از سوی دیگر توان تأمین مخارج زندگی خود و فرزندانم را نداشتم و به همین دلیل مجبور شدم دوباره با مردی از دواج کنم که به تازگی با او آشنا شده بودم و او نامی شناختم. تازه بعد از ازدواج فهمیدم که «همایون» نه تنها شغل در ست و حسابی ندارد بلکه معتاد است و مواد مخدر می فروشد. در همین مدت کوتاه زندگی مشترک، همایون مرا نیز معتاد کرد و من زمانی که دریافتم ادامه این زندگی جز فلاکت و بدبختی حاصل دیگری ندارد، از او جدا شدم ولی به ناچار برای تأمین هزینه های اعتیاد دست به خرده فروشی مواد مخدر زدم به طوری که آرام آرام منزلم پاتوق معتادان و خلافتکاران شد. شوهر اولم که دور او در زندگی فلاکت بار من مطلع شده بود، روزی به در خانه ام آمد و فرزندانش را به منزی برد که برای آن ها اجازه کرده بود. احمد اگر چه مواد غذایی و لوازم ضروری زندگی را در اختیار دو فرزندم می گذاشت ولی آن ها همواره در خانه زندانی بودند تا این که روزی پسرم دچار دل درد شدیدی می شود و با جیب و ناله هایش همسایگان را متوجه ماجرا می کند. اهالی مجتمع مسکونی نیز با اورژانس اجتماعی تماس می گیرند و بدین ترتیب دو فرزندم در حالی روانه بهزیستی می شوند که من به خاطر اعتیاد و مرگ مهر مادری به سراغشان نرفتم. احمد هم به دلیل ترس از همسرش آن ها را فراموش کرد. مدتی بعد نیز ماموران کلانتری قاسم آباد با حکم قضایی وارد منزل شدند و مرا به اتهام فروش مواد مخدر دستگیر کردند.

شایان ذکر است، به دستور سرهنگ معطری (رئیس کلانتری قاسم آباد) پرونده این زن جوان در اختیار نیروهای مبارزه با مواد مخدر قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



آستان قدس رضوی

3/14۰۰-۱۲-۰۵

تمدید زمان شرکت در مناقصات عمومی معاونت عمرانی فنی

و عمران بنیاد بهره وری موقوفات آستان قدس رضوی

پرو آگهی منتشر شده در این روزنامه با عنوان مناقصه تهیه و اجرای تأسیسات و ابنیه ساختمان دارالشفاء پروژه زائر شهر رضوی، بدینوسیله مهلت تحویل اسناد به دبیرخانه این حوزه تا تاریخ ۱۳/۰۳/۱۴۰۰ تمدید می گردد. لذا متقاضیان واجد شرایط میتوانند جهت دریافت اسناد مناقصه به دبیرخانه معاونت عمرانی آستان قدس به نشانی مشهد

چهارراه شهدا، سازمان مرکزی آستان قدس رضوی، معاونت عمرانی مراجه به یا شماره تلفن ۰۳۲۰۰۱۱۲۶-۵۱ تماس حاصل نمایند.

ضمناً هزینه چاپ آگهی در روزنامه ها بر عهده برنده مناقصات خواهد بود.